

دژ مثلی‌ها

روایت سرهنگ زرگر در منطقه عملیاتی رمضان

تهیه و تنظیم: کیانوش بستاک*

شناسنامه روایت	
	الف) مشخصات راوی نام و نام خانوادگی: سرهنگ زرگر از راویان استقراری ارتش در یادمان شهدای رمضان
	ب) زمان و مکان روایتگری شنبه، ۱۳۹۳/۱۲/۲۳ یادمان عملیات رمضان در پاسگاه زید
	ج) مشخصات کاروان گروه محدود تعداد افراد کاروان: تقریباً ۸ الی ۹ نفر

عملیات رمضان

مقدمه

پاسگاه زید در مرز ایران و عراق در نزدیکی ایستگاه حسینیه واقع شده است. این پاسگاه، پاسگاهی مرزی است و در حدفاصل منطقه کوشک و شلمچه قرار دارد. این منطقه یکی از نقاط پرحادثه دوران دفاع مقدس است که در عملیات‌هایی مانند بیت‌المقدس، رمضان و کربلای ۴ و ۵ از محورهای مهم عملیاتی بوده است. در عملیات رمضان، خط حد و محدوده منطقه

این روایت توسط آقای بستاک مسئول گروه اعزامی از مرکز و در یادمان عملیات رمضان ضبط شده است. نکته جالب این است که یک ارتشی در مکان یادمان یک عملیات منجر به عدم‌الفتح حضور یافته و روایتگری می‌کند؛ روایتی هرچند کوتاه اما حاوی نکاتی جالب. ایشان با ظرافت تمام، سپاه و عملکرد آن را بعد از فتح خرمشهر زیر سؤال می‌برد.

* سرپرست گروه اعزامی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به راهیان نور ۱۳۹۳

مطالب را بیان می‌کند که عقلانیت ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر و عملیات بیت‌المقدس زیر سؤال می‌رود؛ درحالی‌که بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر از سرزمین اسلامی همچنان در اشغال ارتش عراق بوده است. وی در این باره می‌گوید:

توضیح می‌دهم که ان‌شاءالله مورد بهره‌برداری قرار بگیرد. خُب، صدام که عملیات و درواقع تهاجم یا جنگ را برای ما تحمیل کرد، قرار بود سه‌روزه خوزستان را بگیرد و به این منظور ۵ لشکر را هم‌زمان به استان خوزستان ما وارد کرد که روز سوم اگر موفق شود، برود اهواز به‌عنوان سردار قادسیه سخنرانی بکند؛ یعنی این‌قدر مطمئن بود. لذا بعد از اینکه جلوی صدام و ارتش صدام گرفته شد، به اهدافش نرسید، ایران ۴ تا عملیات بزرگ در خوزستان انجام داد. این عملیات‌ها باعث شد که یک، ثامن‌الائمه شکست حصر آبادان باشد، دومین عملیات (طریق‌القدس) آزادسازی بستان - سوسنگرد باشد؛ عملیات مهم‌تر ما فتح‌المبین [باشد که در آن] شمال خوزستان را آزاد کردیم و نهایتاً در بیت‌المقدس، آمدیم جنوب، استان خوزستان، خرمشهر قهرمان را بعد از ۱۹ ماه اسارت یا اشغالگری به دامن کشور برگرداندیم. یعنی چه؟ یعنی اینکه در این ۴ عملیات غرور آفرین، ما بیش از ۹۵ درصد خاک کشورمان از ۱۵ هزار کیلومتر مربع را آزاد کردیم و لذا ۵ درصد از خاک کشورمان مثل طلائی، مثل شلمچه، مثل مناطقی در غرب، نفت‌شهر، ارتفاعات میمک در ایلام، صالح‌آباد، قصر شیرین، آق‌داغش، اینها دست نیروهای ارتش عراق باقی ماند.»

تشریح عملیات و دلایل اجرای آن

سرهنگ زرگر در ادامه، عملیات رمضان را بسیار خلاصه تشریح می‌کند و می‌گوید:

«ما می‌خواستیم عملیاتی را به‌عنوان یک برگ برنده در خاک عراق انجام بدهیم. این عملیات در این منطقه عمومی به نام عملیات رمضان؛ در ماه مبارک رمضان سال ۶۱ در این منطقه یعنی دقیقاً

عملیاتی رمضان از کوشک در شمال آغاز می‌شد و تا رودخانه اروند در جنوب امتداد داشت. در این محدوده، عملیات از ۴ محور با ۴ قرارگاه عملیاتی محورهای شمالی، میانی (شمال و جنوب پاسگاه زید) و جنوبی به‌منظور انهدام نیروهای سپاه سوم دشمن و تأمین خط اروندرود طراحی شده بود.

این روایت در ساعت ۱۲:۰۶ در یادمان شهدای زید عملیات رمضان و در محل دوازده شهید عملیات رمضان انجام شده است. نکته جالب توجه این است که یک ارتشی در یادمان عملیاتی که با موفقیت همراه نبوده حضور یافته و به روایتگری می‌پردازد؛ روایتی کوتاه، اما حاوی نکات جالب. وی در روایت خود با ظرافت تمام، سپاه و عملکردش را زیر سوال می‌برد.

متن روایت

تشریح وضعیت جنگ تا قبل از عملیات رمضان

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الحمد لله رب العالمین و به نستعین. در یادمان عملیاتی منطقه عملیات رمضان یا درواقع پاسگاه زید در خوزستان هستیم.

ورود شما به این منطقه عملیاتی را خیرمقدم عرض می‌کنم. به‌جهت اینکه در جریان قرار بگیرید که کجا آمده‌اید و چه اتفاقی در این منطقه رخ داده، خیلی فشرده باتوجه‌به بحث افق و بحث نماز و زمان بسیار محدود و کوتاهی که داریم، توضیح مختصری در خصوص منطقه عملیاتی برایتان بیان می‌کنم.»

سرهنگ زرگر ابتدا به نحوه هجوم ارتش عراق و اشغال خاک ایران اشاره ناقصی می‌کند و سپس به عملیات‌های دوره آزادسازی می‌پردازد و با لحنی این

ما در ۴ عملیات بزرگ اوایل جنگ، بیش از ۹۵ درصد خاک کشورمان را آزاد کردیم و پس از آن ما برای ۵ درصد باقیمانده از زمین‌های کشور، بیش از ۶ سال جنگیدیم.

شفاعت، در واقع گواهی، شهادت بده که من منطقه رزم را ترک نکردم؛ به جهت اینکه هم پرسنل یگان و گروهانش تضعیف نشود، هم اینکه گفت من فرمان امام و رهبری و فرمانده کل قوایم را انجام دادم، اجرا کردم. و همین طور مأموریتش را ادامه داد تا نهایتاً ترکش بعدی و گلوله‌ها، تیر مستقیم باعث شهادتش شد و یک حماسه قهرمانی و به یادماندنی، آنجا بود که پرچم جمهوری اسلامی را از جیبش درآورد، دست سربازش داد گفت باید ببری بر مناره‌های پاسگاه زید این پرچم مقدس را برافراشته کنی که ما اینجا را تصرف و تثبیت کردیم.»

کمک فنی و تجهیزاتی سایر کشورها به عراق:

ایشان پس از بیان خاطره درباره استحکامات عراق توضیح می‌دهد و ادامه عملیات را به گونه‌ای تشریح می‌کند که شکست در این عملیات به ذهن مخاطبان خطور نمی‌کند و صرفاً دست نیافتن به همه اهداف به ذهن آنان متبادر می‌شود.

«اینها ادامه دادند عملیاتشان را تا رسیدند به سنگرها و مواضع مثلثی شکلی که این یک تاکتیک پیچیده‌ای است. برای اینکه شما در جریان قرار بگیرید [به این نکته اشاره کنم که] این تاکتیک را در جنگ جهانی دوم انگلیسی‌ها علیه آلمان‌ها به کار بردند، در آفریقا به کار رفت، در جنگ بین اسرائیل و اعراب در صحرای سینا این تاکتیک به کار رفت و در جنگ ما در این ۸ سال جنگی که ما داشتیم [هم به کار گرفته شد]. در این عملیات، در چهل پنجاه روزی که تا زمان عملیات مانده بود، اسرائیل که این تاکتیک را می‌دانست با کشورهای دیگر آن را پیاده کرد. در این تکنیک یا تاکتیک خاکریزی به ارتفاع چهار یا پنج متر بالا می‌آوردند، طولش چیزی حول و حوش ۲ هزار متر [است] یک مثلث بزرگ که اطرافش را اگر بخواهیم در نظر بگیریم، بالغ بر ۶ هزار متر یا ۶ کیلومتر می‌شود. بعد هر کدام به یک مثلث کوچک‌تر [تقسیم می‌شود].

ساعت ۹/۵ شب بیست و دوم تیرماه ۶۱ صورت گرفت. این عملیات با رمز "یا صاحب‌الزمان ادرکنی"، یک عملیات غرور آفرینی بود که باعث شد همین‌طور که ملاحظه می‌کنید، این رمز مشترک و رمز بین‌المللی بین ایران و عراق است این‌ور کشور ایران [است]، آن طرف مرز، نیروها و ارتش بودند عراق، اینجا نیروهای ما چند لشکر و یک تیپ از سپاه پاسداران بودند. استعداد نیروهای سپاه و ارتش جمهوری اسلامی چند لشکر و تیپ بود که توپخانه در پشتیبانی عمومی بود. هوانیروز هم پشتیبانی عمومی این یگان‌ها را انجام می‌داد، عملیات را به موقع انجام دادند و موفق شدند که این قسمت‌هایی از خاک کشورمان به وسعت ۲۵۰ کیلومتر مربع را آزاد و داخل خاک عراق تا پاسگاه زید، پیشروی کنند، ۸۰ کیلومتر مربع هم از خاک عراق آزاد شد.»

خاطره‌ای از رشادت یک فرمانده گروهان ارتش

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، راوی برای نشان دادن نقش ارتش در عملیات، بدون اشاره به تعداد نیروی سپاه، صرفاً با گفتن چند لشکر و یک تیپ از سپاه از نقش سپاه در این عملیات عبور می‌کند! و با ذکر خاطره‌ای از یک فرمانده گروهان، از رشادت نیروهای ارتشی سخن می‌گوید. وی روایت را این‌گونه ادامه می‌دهد:

«در اینجا چند حادثه مهم برای آزاد کردن مخصوصاً این پاسگاه زید در آن حرارت و گرما [اتفاق افتاد]؛ از جمله یک ستوانی به نام اسماعیل زاریان بود که خاطره‌اش را برایتان بگویم؛ خاطره بسیار جالبی است. اسماعیل زاریان با پرسنل گروهانش وقتی که عملیاتش را انجام داد، به پاسگاه زید رسید، در حین درگیری، بر اثر اصابت ترکش‌ها و گلوله‌های توپ اسماعیل زاریان، که کنار پرسنلش بود، دستش بر اثر ترکش توپ از قسمت آرنج قطع شد، اما میدان جبهه و جنگ را رها نکرد، ترک نکرد، این دستش را برداشت بالا گرفت، گفت دست، تو در قیامت

در جنگ جهانی دوم به کار رفت. انگلستان علیه آلمان آن را به کار برد. مجدداً در صحرای سینا عرض کردم اسرائیل علیه اعراب به کار برد. در زمین‌های صاف و کفی به کار می‌رود. چون در جنوب، زمین کفی است، [عراق] از این تاکتیک درر خوزستان استفاده کرد. هرکدام از ضلع‌هایش ۲۰۰۰ متر، ۲۰۰۰ متر، حالا این یکی هم ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ متر، یک مثلث بزرگ برای یک گردان زرهی و مکانیزه، داخلش توپ تانک است، خمپاره است، تیربار دارد، ضلع‌های کوچکش که الآن همین یادمان داخل یک ضلع کوچک [قرار داد]، یک گروهانی است؛ اینها هرکدام ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ متر است، موانع سیم‌خاردار، مین، تله‌های انفجاری، فوگاز در این مثلثی‌ها به کار رفته بود، به گونه‌ای که وقتی رزمنده‌های ما رفتند داخل اینها، گرفتار شدند؛ یعنی راه پیشروی و برگشتشان هم یک مقدار مشکل بود از این قسمت‌ها که دژها یا این استحکامات شکسته شد و اینها تا اندازه‌ای بعضاً تسخیر هم شد که بعد [نیروها] مجدداً از این قسمت به طرف کانال پرورش ماهی تغییر مسیر دادند و یگان‌هایی هم پیش‌بینی شده بود که از این طریق بتوانند تنومه را دور بزنند. چون اینها، این نیروهایمان اینجا زمین‌گیر شدند و اینجا توفیقات آن‌چنانی نداشتند، درواقع مورد پاتک‌ها و هجوم نیروهای دشمن قرار گرفتند. باز هم اگر شبهه‌ای، سؤال، موردی یا به‌غیراز این مورد، از جنگ هم هرگونه سؤال، موردی هست، من در خدمت عزیزان هستم.»

سرهنک زرگر پس از توضیح سنگرهای مثلثی و مرتبط‌دانستن طراحی آن با صهیونیست‌ها، در پاسخ به سؤال دربارہ پاسگاه زید می‌گوید:

«الآن ما در سه چهار کیلومتری مرز در این قسمت قرار داریم، پاسگاه زید سه چهار کیلومتر داخل خاک عراق است. این مال کشور عراق بود که ایران تصرف کرد. بعد از اینکه قطعنامه پذیرفته شد و درواقع تبادل خاک و اسرا و اینها صورت گرفت،

این برای یک گردان است، همین یادمانی که الآن شما آمده‌اید، در یک مثلث آن گروهانی قرار دارد. اینجا مثلث‌های کوچک‌تر هزار متری هرکدام از اضلاعش، بین ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ متر است، برای یک گروهان بود. هر گردان، ۳ تا گروهان داشت، لذا نیروهای ما یک عملیات پیچیده‌ای را اینجا انجام دادند و موفق شدند تا کانال پرورش ماهی که در امتداد نیروها، و جلوتر از آن‌ها حفر و تعبیه کرده بود، بیابند این کانال هم حالا اسماً برای پرورش ماهی بود و [کاربرد] صنعتی داشت، اما عملاً تاکتیک نظامی و تکنیک نظامی این بود که آن را کار گذاشته بود ۱۰۰۰ متر عرضش، ۵، ۶ متر عمقش، ۲۹ کیلومتر هم طولش بود، که در این قسمت‌ها، نیروهای ما که تا ۴ تا قرارگاه عملیاتی پیشروی کردند، تا پشت اینها رفتند، ولی اینجا به موانع، مستحکامات و استحکامات مثلثی که اینها در دو ردیف بود برخورد کردند و [این امر] باعث شد که به اهداف قطعی و صددرصد که تصرف تنومه و بصره بود، نرسند، اما ۵۰ درصد اهدافشان تحقق یافت. این اطلاعات مربوط به

جریان این منطقه و یادمانی است که الآن شما شرف حضور دارید، به جهت اینکه [آگاه شوید] چه اتفاق و چه عملیاتی اینجا صورت گرفته. حالا عزیزان اگر به‌صورت پرسش و پاسخ سؤال هم دارند در خدمت شما هستیم.»

راوی در پاسخ به سؤال حضار درخصوص موانع نونی شکل مجدداً توضیحات قبلی خود را با اندکی تغییر تکرار می‌کند:

«مثلثی که خدمتتان عرض کردم برای اولین بار

نحوه بیان وقایع و خاطره‌گویی با روشی مبتدیانه از تلاش راوی برای پررنگ نشان‌دادن نقش ارتش و کسب وجهه برای نیروهای دلاور ارتشی حکایت می‌کند.

ارتش، توپخانه در پشتیبانی، هوانیروز در پشتیبانی و نیروهای هوایی در پشتیبانی استفاده کرده است.

۲. سرهنگ زرگر با ذکر خاطره‌ای از یک فرمانده گروهان ارتشی (بدون اشاره به نام یگان آن) که باوجود قطع دست به عملیات ادامه داده است، سعی در قهرمان جلوه‌دادن نیروی ارتشی دارد و اصلاً به این نکته توجه نکرده که در صورت قطع دست، فرد در صورت عدم دریافت نکردن کمک پزشکی به علت خونریزی شدید ظرف مدت کوتاهی شهید خواهد شد. همچنین وی به افسری اشاره می‌کند که پرچم به همراه دارد. اینکه فردی بتواند پرچم جمهوری اسلامی را درون جیب خود جای بدهد آن هم فردی که تمام هم‌وغمش همراه داشتن تجهیزات نظامی مکفی است، کمی عجیب به نظر می‌رسد. همچنین با استناد به منابع موجود، پاسگاه زید را یگان‌های سپاه تصرف کردند و نیروهای ارتش اصلاً در این محدوده از منطقه عملیات (خط حد فتح ۳) حضور نداشتند. در نهایت اینکه این نحوه بیان وقایع و خاطره‌گویی با روشی مبتدیانه از تلاش راوی برای پررنگ نشان دادن نقش ارتش و کسب وجهه برای نیروهای دلاور ارتشی حکایت می‌کند.

۳. راوی با اشاره به بازپس‌گیری ۹۵ درصد از سرزمین‌های اشغال‌شده تا قبل از عملیات رمضان، با ظرافت کامل به غیرمنطقی بودن ادامه جنگ برای بازپس‌گیری ۵ درصد باقیمانده سرزمین‌های اشغالی اشاره می‌کند؛ حال آنکه در زمان شروع عملیات رمضان بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران در اشغال ارتش عراق بود که از مساحت بعضی از کشورهای جهان بیشتر است.

اسامی یگان‌هایی که در قالب ۴ قرارگاه میانی نصر، قدس، فجر و فتح در عملیات رمضان شرکت داشته‌اند: یگان‌های سپاه:

۱. تیپ ۳۰ زرهی سپاه
۲. تیپ ۳۱ عاشورا

هرکدام از نیروها سر مرز و خطوط صفر مرزی خودشان رفتند و خاک همدیگر را تبادل کردند و بحث خاک برابر قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر منتفی شد. وی در انتها نیز از حضار می‌خواهد که سؤالات دیگر خود را نیز درباره جنگ از ایشان بپرسند که با استقبال حضار مواجه نمی‌شود.

نقد و بررسی روایت

نقاط قوت

۱. گزارش، مختصر و کوتاه است.
۲. تقریباً به تمام زوایای یادمان پرداخته شده است.
۳. راوی با اشاره به موفقیت‌های به دست آمده در عملیات رمضان، عدم‌الفتح عملیات را به گونه‌ای خوب پوشش داده است که مخاطب احساس سرخوردگی نمی‌کند.

نقاط ضعف

۱. تضعیف عقلانیت ادامه یافتن جنگ بعد از عملیات بیت‌المقدس: «ما برای ۵ درصد باقیمانده از زمین‌های کشور، بیش از ۶ سال جنگیدیم!»
۲. راوی یگان‌های عمل‌کننده سپاه را تضعیف کرده و برای بزرگ‌نمایی عملکرد ارتش از یگان‌های زمینی (که بازوی اصلی اجرای عملیات‌اند) نامی نبرده است.
۳. عملیات خوب شرح داده نشده است. توضیحات راوی درباره سنگرهای مثلثی هم ضعیف است؛ به گونه‌ای که مجدداً مورد سؤال قرار می‌گیرد.
۴. راوی در مورد محل یادمان توضیح می‌دهد، اما فلسفه نام‌گذاری را بیان نمی‌کند که این موضوع نیز توسط حضار مورد پرسش قرار می‌گیرد.

تحلیل

۱. اشاره نکردن دقیق به نقش سپاه و بزرگ‌نمایی حضور ارتش: سرهنگ زرگر برای پررنگ نشان دادن نقش ارتش صرفاً با اشاره بسیار جزئی به حضور نیروهای سپاه از الفاظی مانند چند لشکر و تیپ از

			یادمان زید								

یگان‌های ارتش:

۱. لشکر ۱۶ زرهی قزوین
۲. لشکر ۷۷ پیروز خراسان
۳. لشکر ۹۲ زرهی خوزستان
۴. لشکر ۲۱ حمزه

شایان ذکر است که یگان‌های سپاه به رغم شرکت با سازمان رزم تیپ، دارای استعدادی چند برابر یک تیپ بودند و با استعداد لشکر وارد این عملیات شدند و البته برخی تیپ‌های ارتش در احتیاط یگان‌های سپاه بوده‌اند.

۳. تیپ ۴ بعثت

۴. تیپ ۱۸ الغدیر
۵. تیپ ۴۱ ثارالله^(ع)
۶. تیپ ۳۳ المهدی^(عج)
۷. تیپ ۲۱ امام رضا^(ع)
۸. تیپ ۱۷ علی بن ابی طالب^(ع)
۹. تیپ ۷ ولی عصر^(ع)
۱۰. تیپ ۲۵ کربلا
۱۱. تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)
۱۲. تیپ ۸ نجف